

A Scientometric Analysis of the Journal *Political Science*, with an Emphasis on Its Conceptual Structure, Scientific Collaboration Network, and Citation Patterns

Reza Karimi 

Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, University of Qom,
Qom, Iran. karimi@qom.ac.ir

Abstract

This study was conducted to provide a comprehensive analysis of the scholarly and content-related profile of the journal *Political Science* and seeks, by employing scientometric approaches, to present an accurate picture of the structure of scholarly production in the journal. Accordingly, the study focuses primarily on three key dimensions: the conceptual structure of the journal's scholarly output, the scientific collaboration network among its authors, and the journal's citation indicators. The statistical population comprises 1,021 articles published between 2004 and 2023, with data collected from the Islamic World Science Citation Center (ISC) database and the journal's online submission and publication system. To analyze the data, specialized scientometric tools were employed, including RavarMatrix for extracting the word co-occurrence matrix and UCINET and NetDraw for visualizing and analyzing scientific networks. The findings indicate that the journal's thematic structure is organized into 22 distinct conceptual clusters. These clusters encompass a broad range of key topics in political science, including Islamic political thought, the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, security and national interests, democracy and political participation, political identity, political jurisprudence, social justice, and political discourses in Iran and the Islamic world. The breadth of this thematic range indicates the journal's multidimensional and interdisciplinary character, while also reflecting its continued focus on fundamental issues in political science. Following the adoption of scientific publishing policies and the journal's attainment of scientific-research status in 2011, the journal underwent a discernible conceptual shift. During the first period (2004–2010), foundational, theoretical, and discursive concepts predominated, whereas in the second period (2011–2023), the journal's content shifted toward more specialized, problem-oriented, and applied topics. The analysis of citation patterns likewise indicates that articles published between 2004 and

Cite this article: Karimi, R. (2026). A Scientometric Analysis of the Journal *Political Science*, with an Emphasis on Its Conceptual Structure, Scientific Collaboration Network, and Citation Patterns. *Political science*, 29(1), p. 167-192. <https://doi.org/10.22081/psq.2026.73560.3079>

Received: 2025-09-07

Revised: 2025-11-29

Accepted: 2025-12-16

Published online: 2026-03-30

Type of article: Research Article

Publisher: Bağır al-Olum University

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights



<https://psq.bou.ac.ir/>

2006, prior to the journal's attainment of scientific-research status, had the greatest impact due to their discursive and agenda-setting character and consequently received the highest number of citations. By contrast, during the second period, the structural requirements imposed on scientific-research articles appear to have somewhat reduced the rate at which articles accumulated citations. Overall, the findings of this study provide a comprehensive, longitudinal, and data-driven picture of the intellectual and social structure of the journal *Political Science* over a twenty-year period. This analysis can serve as a basis for improving academic publishing policies, enhancing publication quality, and restoring the journal's position as an influential source of scholarly discourse. The findings concerning the authors' academic collaboration network further indicate that collaboration within the journal operates predominantly through a multi-cluster, networked structure, comprising two major author clusters with the highest levels of connectivity and several secondary clusters with moderate levels of interaction. An analysis of the authors' institutional affiliations shows that Baqir al-Olum University, the University of Tehran, Shahid Beheshti University, and Imam Sadiq University have made the greatest contributions to the journal's scholarly output and function as its principal centers of knowledge production.

Keywords: Scientometrics, *Political Science* journal, co-word analysis, scientific collaboration network; citation analysis.

تحلیل علم‌سنجی نشریه علوم سیاسی با تأکید بر ساختار مفهومی، شبکه همکاری علمی و الگوی استنادی

رضا کریمی^{۱۵}

دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران. karimi@qom.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل جامع وضعیت علمی و محتوایی نشریه علوم سیاسی انجام شده است و تلاش دارد با بهره‌گیری از رویکردهای علم‌سنجی، تصویری دقیق از ساختار تولید علم در این نشریه ارائه دهد. در این راستا تمرکز اصلی مطالعه بر سه محور اساسی شامل ساختار مفهومی تولیدات علمی، شبکه همکاری علمی نویسندگان و شاخص‌های استنادی نشریه یادشده بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۰۲۱ مقاله منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۲ است که داده‌های آنها از پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و سامانه نشریه گردآوری شده است. به منظور تحلیل داده‌ها، از ابزارهای تخصصی علم‌سنجی شامل نرم‌افزارهای RavarMatrix برای استخراج ماتریس هم‌رخدادی واژگان و نرم‌افزارهای UCINET و NetDraw برای ترسیم و تحلیل شبکه‌های علمی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که ساختار موضوعی نشریه در قالب ۲۲ خوشه مفهومی متمایز سازمان یافته است. این خوشه‌ها دامنه گسترده‌ای از موضوعات کلیدی در حوزه علوم سیاسی را در بر می‌گیرند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به اندیشه سیاسی اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، امنیت و منافع ملی، مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی، هویت سیاسی، فقه سیاسی، عدالت اجتماعی و گفتمان‌های سیاسی در ایران و جهان اسلام اشاره کرد. وجود این طیف موضوعی گسترده نشانگر ماهیت چندبعدی، میان‌رشته‌ای و در عین حال متمرکز نشریه بر مباحث بنیادین علوم سیاسی است. مجله تحت تأثیر سیاست‌گذاری علمی و اخذ رتبه علمی - پژوهشی در سال ۱۳۹۰، دچار یک چرخش مفهومی ملموس شده است؛ به طوری که در مقطع نخست (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹) مفاهیم بنیادین، نظری و گفتمانی غلبه داشته، ولی در مقطع دوم (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲) محتوای نشریه به سمت مباحث تخصصی‌تر، مسئله‌محور و کاربردی سوق یافته است. تحلیل الگوی استنادی نیز مؤید آن است که مقالات منتشرشده در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ (دوره پیش از اخذ رتبه)، به دلیل ماهیت گفتمانی و جریان‌ساز خود، بیشترین میزان تأثیرگذاری را داشته‌اند و در صدر استنادها قرار دارند؛ درحالی‌که در مقطع دوم، الزامات ساختاری مقالات علمی - پژوهشی تا حدودی شیب دریافت استنادات را کاهش داده است. در مجموع یافته‌های این پژوهش تصویری جامع، روندی داده‌محور از ساختار فکری و اجتماعی نشریه علوم سیاسی در یک بازه بیست‌ساله ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان مبنایی برای بهبود سیاست‌گذاری علمی، ارتقای کیفیت انتشار و احیای مرجعیت گفتمانی نشریه مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌های مربوط به شبکه همکاری علمی نویسندگان نیز بیانگر

استاد به این مقاله: کریمی، رضا (۱۴۰۵). تحلیل علم‌سنجی نشریه علوم سیاسی با تأکید بر ساختار مفهومی، شبکه همکاری علمی و الگوی استنادی. علوم

سیاسی، ۲۹(۱)، ص ۱۶۷-۱۹۲. <https://doi.org/10.22081/psq.2026.73560.3079>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

©/۱۴۰۵ نویسندگان دارندۀ حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. نوع مقاله: پژوهشی. ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)



<https://psq.bou.ac.ir/>

آن است که ساختار همکاری در نشریه بیشتر به صورت چندخوشه‌ای و شبکه‌ای عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که دو خوشه اصلی نویسندگان با بیشترین میزان ارتباط و چند خوشه فرعی با ارتباطات متوسط شکل گرفته است. تحلیل وابستگی سازمانی نویسندگان نشان داد که دانشگاه‌های باقرالعلوم (ع)، تهران، شهید بهشتی و امام صادق (ع) بیشترین میزان مشارکت در تولیدات علمی نشریه را داشته‌اند و به عنوان هسته اصلی تولید علم در این مجموعه عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: علم‌سنجی، نشریه علوم سیاسی، تحلیل هم‌واژگانی، شبکه همکاری علمی و تحلیل استنادی.

مقدمه

مجلات علمی به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای ارتباطات علمی، نقش بنیادینی در سازمان‌دهی، تولید، انتقال و بازتولید دانش در جوامع علمی ایفا می‌کنند. نظام علمی هر کشور زمانی می‌تواند پویایی و جریان مستمر تولید دانش را تجربه کند که زیرساخت‌های ارتباطی آن، به‌ویژه نشریات علمی معتبر توانایی جذب و انتشار آثار پژوهشی باکیفیت را داشته باشند. در این میان، مجلات تخصصی حوزه علوم سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ زیرا این حوزه به طور مستقیم با مباحثی همچون قدرت، حکومت، امنیت، سیاست‌گذاری و روابط بین‌الملل در ارتباط است و آثار منتشرشده در آن می‌توانند بر اندیشه سیاسی، سیاست‌گذاری‌های عمومی و فهم جامعه از تحولات سیاسی تأثیرگذار باشند؛ از این‌رو تحلیل نظام‌مند عملکرد این نشریه‌ها به عنوان شاخص‌های توسعه علمی کشور اهمیت فراوان دارد. علم‌سنجی به عنوان یکی از رویکردهای کلیدی در مطالعات دانش اطلاعات و علم‌شناسی، امکان تحلیل کمی و کیفی ساختار و محتوای تولیدات علمی را فراهم می‌آورد. این رویکرد طی سال‌های اخیر به ابزاری معتبر برای ارزیابی جایگاه علمی نشریات تبدیل شده است؛ زیرا شاخص‌هایی مانند الگوهای انتشار، ساختار موضوعی، میزان استناد، شبکه همکاری نویسندگان و سازمان‌های علمی فعال در تولید محتوا می‌توانند بازتاب‌دهنده کیفیت و سهم نشریه در تولید دانش باشند (احمدی و عصاره، ۱۳۹۶). درواقع علم‌سنجی امکان می‌دهد که نشریه‌ها نه صرفاً بر اساس قضاوت‌های کیفی، بلکه بر پایه داده‌های عینی تحلیل شوند و نقاط قوت و ضعف آنان به دقت شناسایی گردد. نشریه علوم سیاسی^۱ یکی از مجلات علمی معتبر کشور در حوزه سیاست، اندیشه سیاسی و مباحث مرتبط با علوم سیاسی است. این نشریه طی دو دهه گذشته بستری برای انتشار پژوهش‌هایی در زمینه سیاست داخلی، سیاست خارجی، امنیت، اخلاق سیاسی، نظریه‌های سیاسی، اندیشه سیاسی اسلامی و تحولات سیاسی ایران و جهان بوده است. وجود بیش از هزار مقاله منتشرشده طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که این نشریه سهم قابل توجهی در تولید ادبیات سیاسی کشور داشته است و تحلیل ساختار علمی آن می‌تواند داده‌های ارزشمندی برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران فراهم آورد. در بسیاری از کشورها، ارزیابی نشریه‌های سیاسی از طریق علم‌سنجی، به‌ویژه تحلیل هم‌رخدادی واژگان، شبکه همکاری نویسندگان و بررسی الگوهای استنادی، یکی از شاخص‌های مهم برای تعیین مسیر پژوهشی و سیاست‌گذاری علمی شمرده می‌شود (Borgatti & et al., 2002). تحلیل هم‌رخدادی واژگان به دلیل توانایی شناسایی ساختارهای مفهومی و ترسیم نقشه موضوعی، امکان می‌دهد که جهت‌گیری‌های علمی نشریه و همچنین حوزه‌های مغفول یا موضوعات کلیدی مورد توجه در آن مشخص شود. از سوی دیگر تحلیل شبکه هم‌نویسندگی به عنوان

1. <https://psq.bou.ac.ir/>

ابزاری برای بررسی همکاری‌های علمی میان افراد، سازمان‌ها و دانشگاه‌ها، درک عمیق‌تری از نقشه اجتماعی تولید دانش ارائه می‌دهد. همکاری علمی یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه‌یافتگی نظام پژوهشی است؛ زیرا مطالعات نشان می‌دهند پژوهش‌هایی که محصول همکاری علمی هستند، کیفیت بالاتر، استناد بیشتر و اثرگذاری عمیق‌تری دارند (عرفان‌منش و بصیریان، ۱۳۹۲).

مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در ایران، شمار قابل‌توجهی از پژوهش‌ها در حوزه علم‌سنجی نشریه‌ها انجام شده است، اما تمرکز آنها عمدتاً بر حوزه‌های علوم پزشکی، مدیریت، علوم انسانی یا دانش اطلاعات بوده است؛ برای مثال پژوهش نوبخت (۱۳۹۸) ساختار علمی پژوهشنامه مالیات را بررسی کرده و پژوهش شمسی و حیدری (۱۳۹۹) شبکه همکاری نویسندگان در مجله پایش را تحلیل کرده است؛ همچنین پژوهش قانع و رحیمی (۱۳۹۰) به تحلیل استنادی نشریات فنی مهندسی پرداخته است. اما به بررسی جامع علم‌سنجی نشریه‌های حوزه علوم سیاسی کمتر توجه شده است و مطالعات موجود بیشتر به تحلیل‌های موضوعی یا بررسی‌های موردی محدود بوده‌اند. این شکاف پژوهشی نشان ضرورت انجام یک مطالعه جامع و ساختاریافته در این حوزه است. نشریه علوم سیاسی از این جهت اهمیت دارد که افزون بر انتشار مقالات نظری، سهم مهمی در پرداخت به مسائل بنیادین سیاست، امنیت، هویت، اندیشه سیاسی اسلامی و سیاست خارجی دارد؛ موضوعاتی که به‌شدت در تحولات سیاسی ایران و منطقه اثرگذارند. بررسی ساختار موضوعی این نشریه، شناسایی حوزه‌های پرتکرار، تحلیل میزان نفوذ نویسندگان کلیدی، تشخیص دانشگاه‌های فعال و تحلیل روندهای استنادی، می‌تواند تصویر روشن‌تری از وضعیت علمی علوم سیاسی در کشور ترسیم کند. به‌ویژه اینکه در دوره‌ای، مقالات اندیشه سیاسی اسلامی، امنیت در اسلام، هویت و سیاست خارجی ایران بیشترین استنادها را دریافت کرده‌اند که نشان اهمیت آنها در فضای علمی کشور است؛ افزون بر این بررسی شبکه همکاری علمی نویسندگان در این نشریه می‌تواند الگوهای ارتباطی و همکاری‌های پژوهشی را آشکار سازد. تحلیل‌های اولیه نشان می‌دهد که دو خوشه اصلی در شبکه همکاری علمی شکل گرفته است: خوشه نخست که نویسندگان وابسته به دانشگاه باقرالعلوم (ع) و دانشگاه امام صادق (ع) در آن فعال هستند و خوشه دوم که بیشتر نویسندگان وابسته به دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی را شامل می‌شود. این ساختار نشان می‌دهد که تولیدات علمی در این نشریه تحت تأثیر چند مرکز علمی خاص قرار دارد که بررسی آنها می‌تواند به درک عمیق‌تر از رابطه میان تولید دانش سیاسی و ساختار نهادی و دانشگاهی کشور کمک کند. از منظر نظری، تحلیل ساختار مفهومی نشریه می‌تواند رویکردهای غالب را مشخص کند؛ برای مثال شناسایی ۲۲ خوشه موضوعی در مقالات نشریه علوم سیاسی نشان می‌دهد که حوزه‌هایی مانند اندیشه سیاسی اسلامی، فقه سیاسی، امنیت، مشارکت سیاسی، مردم‌سالاری، سیاست خارجی ایران، قدرت نرم، هویت و فلسفه سیاسی، محورهای اصلی تولیدات علمی بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد این نشریه نه تنها حوزه اصلی

علوم سیاسی را پوشش می‌دهد، بلکه رابطه نزدیکی با مباحث اسلام‌پژوهی، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی سیاسی دارد. تحلیل چنین خوشه‌هایی به درک روندهای فکری علوم سیاسی ایران کمک می‌کند و امکان تطبیق آن با تحولات علمی جهان را فراهم می‌سازد.

از منظر استنادی نیز، شناسایی مقالات پربسامد و تحلیل تغییرات استنادها در طول زمان برای ارزیابی تأثیرگذاری نشریه ضروری است. کاهش یا افزایش استنادها می‌تواند به تغییر جهت‌گیری‌های علمی نشریه، کاهش کیفیت مقالات یا تغییر در اولویت‌های پژوهشی جامعه علمی نسبت داده شود. تحلیل استنادهای نشریه علوم سیاسی نشان می‌دهد که بیشترین میزان تأثیرگذاری مربوط به سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ بوده است و از سال ۱۳۸۸ به بعد روندی کاهشی مشاهده شده است. این موضوع می‌تواند ضرورت بازنگری در سیاست‌های انتشار، انتخاب موضوعات جدید و جذب پژوهش‌های نوآورانه‌تر را برجسته سازد. براساس موارد فوق، اجرای یک مطالعه جامع علم‌سنجی درباره نشریه علوم سیاسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا این مطالعه می‌تواند به پرسش‌های مهم زیر پاسخ دهد: موضوعات اصلی و روندهای مفهومی نشریه چگونه تکامل یافته‌اند؟ نویسندگان کلیدی چه کسانی هستند و شبکه همکاری آنان چه ساختاری دارد؟ دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی فعال در این حوزه کدام‌اند؟ کدام مقالات بیشترین استناد را دریافت کرده‌اند و چه مؤلفه‌هایی بر روند استنادی اثر گذاشته‌اند؟ و در نهایت نشریه علوم سیاسی در نظام تولید دانش کشور چه جایگاهی دارد؟ بر اساس این ضرورت‌ها، پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامع ساختار علمی و نقشه دانش نشریه علوم سیاسی انجام شده است. این پژوهش سه محور اصلی دارد: ۱. تحلیل ساختار مفهومی نشریه بر اساس هم‌رخدادی واژگان؛ ۲. تحلیل شبکه همکاری علمی نویسندگان و سازمان‌ها؛ ۳. تحلیل الگوی استنادی و تعیین میزان تأثیرگذاری علمی نشریه. نتایج این تحلیل‌ها می‌تواند نه تنها وضعیت موجود نشریه را روشن سازد، بلکه مسیر آینده آن را برای سیاست‌گذاران، سردبیران و جامعه علمی مشخص کند.

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

علم‌سنجی یکی از حوزه‌های اساسی در دانش اطلاعات و علم‌شناسی است که با بهره‌گیری از شاخص‌ها و روش‌های کمی، به تحلیل ساختار تولیدات علمی و جریان‌های دانش در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. این رویکرد امکان می‌دهد تا رفتار علمی پژوهشگران، روند موضوعات پژوهشی، کیفیت انتشارات و جایگاه مجلات علمی در نظام دانش ارزیابی شود. اساس علم‌سنجی بر این فرض استوار است که الگوهای انتشار علمی، انعکاسی از ساختار فکری و نظام همکاری علمی در هر رشته هستند. شاخص‌هایی مانند تعداد انتشارات، میزان استنادها، شبکه همکاری علمی و نقشه‌های موضوعی، ابزارهایی هستند که به پژوهشگران اجازه می‌دهند رابطه میان موضوعات و روندهای فکری را به طور عینی

تحلیل کنند (Borgatti & et al., 2002). در میان ابزارهای علم‌سنجی، تحلیل هم‌رخدادی واژگان یکی از روش‌های پیشرفته برای شناسایی ساختار مفهومی حوزه‌های علمی است. این روش با بررسی هم‌زمانی واژگان در اسناد علمی، خوشه‌هایی از مفاهیم مرتبط را استخراج می‌کند و از این طریق امکان ترسیم نقشه مفهومی یک حوزه علمی را فراهم می‌سازد. تحلیل هم‌واژگانی نه تنها رابطه میان مفاهیم موجود را نشان می‌دهد، بلکه جهت‌گیری‌های علمی، حوزه‌های پرتکرار و موضوعات نوظهور را نیز برجسته می‌کند. پژوهشگران معتقدند این روش ابزاری مناسب برای کشف الگوهای پنهان و روندهای در حال شکل‌گیری در علوم مختلف است (احمدی و عصاره، ۱۳۹۶). از سوی دیگر شبکه همکاری علمی یکی از شاخص‌های کلیدی برای تحلیل ارتباطات اجتماعی میان پژوهشگران است. شبکه‌های هم‌نویسندگی نشان می‌دهند دانش چگونه از طریق همکاری‌های علمی تولید می‌شود و کدام نویسندگان یا مؤسسه‌ها نقشی محوری در انتشار علم ایفا می‌کنند. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که پژوهش‌های حاصل از همکاری علمی نسبت به پژوهش‌های فردی کیفیت و اثرگذاری بیشتری دارند (عرفان منش و بصیریان، ۱۳۹۲). در کنار این دو ابزار، تحلیل استادها نیز از مهم‌ترین رویکردهای ارزیابی تأثیرگذاری علمی است. استادهایی که یک مقاله یا مجله دریافت می‌کند، بازتابی از کیفیت، کاربرد و نفوذ علمی آن است. پژوهش‌هایی که استادهای بالایی دارند معمولاً نقش مهم‌تری در توسعه نظری و گسترش مباحث علمی ایفا می‌کنند (Swain, 2014)؛ بر همین اساس تحلیل استنادی مجلات علمی به سردبیران، سیاست‌گذاران علم و پژوهشگران کمک می‌کند تا وضعیت اثرگذاری علمی نشریه و جایگاه آن را در نظام دانش ملی و بین‌المللی شناسایی کنند. پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که مطالعات علم‌سنجی در حوزه نشریات طی دو دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است؛ با این حال تمرکز این مطالعات بیشتر بر نشریات حوزه‌های علوم پزشکی، علوم انسانی، مدیریت، کتابداری و برخی رشته‌های فنی بوده و نشریه‌های حوزه علوم سیاسی کمتر مورد بررسی ساختاریافته قرار گرفته‌اند؛ برای مثال پژوهش زارع فراشبندی و همکاران (۱۳۸۵) با تحلیل همکاری علمی در مجله دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور، نشان داده‌اند که شبکه همکاری در این نشریه به طور عمده دونویسنده‌ای است. پژوهش قانع و رحیمی (۱۳۹۰) نیز با تمرکز بر نشریات انگلیسی‌زبان فنی مهندسی، الگوهای استناد و همکاری نویسندگان را شناسایی کرده است. بر پایه یافته این پژوهش‌ها، شبکه‌های همکاری علمی در نشریه‌های ایرانی معمولاً در محور چند دانشگاه بزرگ شکل می‌گیرد؛ موضوعی که در نشریه‌های علوم سیاسی نیز مشاهده می‌شود. در حوزه علوم انسانی، مطالعاتی مانند پژوهش مروتی اردکانی و حسام‌پور (۱۳۹۴) درباره نقد ادبی، پژوهش نوبخت (۱۳۹۸) درباره پژوهشنامه مالیات و پژوهش شمسی، حیدری و چنبری (۱۳۹۹) درباره مجله پایش، هر یک بخشی از ساختار علمی نشریات را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که میزان همکاری علمی، تعداد نویسندگان، فراوانی کلیدواژه‌ها و ساختار شبکه‌های

همکاری در رشته‌های مختلف متفاوت است؛ با این حال هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به تحلیل جامع نشریه علوم سیاسی نپرداخته‌اند و بررسی هم‌زمان ساختار مفهومی، شبکه همکاری و الگوی استناد در این نشریه همچنان یک خلأ پژوهشی محسوب می‌شود.

مطالعات خارجی نیز الگوهای مشابهی را نشان می‌دهند. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، پژوهش‌هایی مانند پژوهش مدو و زاباروسکی^۱ (۱۹۷۹)، تحلیل‌های کتاب‌سنجی نشریه JASIS و پژوهش‌های تیو^۲، عبدالله و کور (۲۰۰۲) درباره مجلات کتابداری و علم اطلاعات، الگوهای همکاری علمی و ساختار دانش را بررسی کرده‌اند. در حوزه علوم سیاسی، پژوهش‌هایی همچون یانگ^۳ (۲۰۰۶) و باچر (۲۰۱۸) ساختار نشریه‌های علوم اجتماعی را تحلیل کرده‌اند و نشان داده‌اند که حوزه‌های علوم سیاسی به دلیل تنوع موضوعی و پیچیدگی نظری، معمولاً دارای خوشه‌های مفهومی متعدد، اما شبکه‌های همکاری محدود هستند. این موضوع در تحلیل نشریه علوم سیاسی نیز قابل مشاهده است. پژوهش‌هایی مانند الانگو^۴ (۲۰۱۷) نیز نشان می‌دهند که تحلیل هم‌رخدادی واژگان می‌تواند ابزار قدرتمندی برای شناسایی حوزه‌های نوظهور و ترسیم نقشه‌های موضوعی باشد. مقایسه پیشینه داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اگرچه علم‌سنجی به طور گسترده در حوزه‌های مختلف به کار رفته است، هنوز ارزیابی جامعی از نشریه علوم سیاسی انجام نشده است و مطالعه حاضر می‌کوشد این خلأ را پر کند. فقدان بررسی یکپارچه‌ای که هم‌زمان سه رویکرد تحلیل مفهومی، تحلیل شبکه همکاری و تحلیل استنادی را پوشش دهد، موجب شده است که تصویر شفافی از جایگاه نشریه علوم سیاسی در نظام علمی کشور وجود نداشته باشد؛ افزون بر این روندهای استنادی این نشریه به‌ویژه در سال‌های اولیه انتشار، هنوز به‌طور دقیق تحلیل نشده است؛ درحالی‌که شناخت این روندها می‌تواند برای ارزیابی پایداری تأثیرگذاری علمی مجله ضروری باشد؛ بنابراین پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی چندبعدی و مبتنی بر داده‌های واقعی، تلاش می‌کند ساختار علمی نشریه علوم سیاسی را به صورت جامع و عمیق تحلیل کند. این پژوهش ضمن بررسی روابط مفهومی میان موضوعات، الگوهای همکاری علمی نویسندگان و دانشگاه‌ها و الگوی استناد مقالات، می‌تواند به سردبیران، سیاست‌گذاران علمی و پژوهشگران کمک کند تا مسیر آینده نشریه را بر اساس شواهد علمی دقیق طراحی کنند؛ به بیان دیگر این پژوهش گامی اساسی در شناخت جایگاه نشریه علوم سیاسی در تولید دانش سیاسی کشور است و می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه نشریات علوم انسانی و اجتماعی قرار گیرد.

1. Meadow & Zaborowski.

2. Tiew.

3. Young.

4. Elango.

۲. روش پژوهش

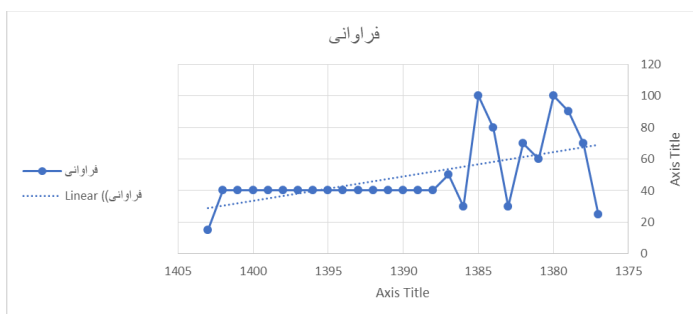
پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد علم‌سنجی و با هدف تحلیل ساختار یافته تولیدات علمی نشریه علوم سیاسی طراحی و اجرا شده است. انتخاب رویکرد علم‌سنجی به دلیل ماهیت داده‌محور آن و توانایی این روش در استخراج الگوهای مفهومی، شبکه‌های همکاری علمی و روندهای استنادی بود. این مطالعه از نوع پیمایشی-تحلیلی و در زمره پژوهش‌های کاربردی-توسعه‌ای قرار می‌گیرد؛ زیرا نتایج آن قابلیت استفاده مستقیم در سیاست‌گذاری علمی، ارزیابی عملکرد نشریه و تحلیل وضعیت تولید دانش را در حوزه علوم سیاسی دارد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ۱۰۲۱ مقاله منتشر شده در نشریه علوم سیاسی طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۴ است که به صورت سرشماری و بدون نمونه‌گیری تحلیل شدند. داده‌های مورد نیاز از دو مسیر اصلی شامل پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و سامانه رسمی نشریه گردآوری گردید و اطلاعات مربوط به نویسندگان، سازمان‌های وابسته، کلیدواژه‌ها، سال انتشار و استنادها استخراج شد. سپس داده‌ها در مرحله پاک‌سازی مورد بازبینی دقیق قرار گرفت تا مغایرت‌ها، تفاوت‌های نگارشی، خطاهای املائی و موارد مشابه برطرف شود. در این فرایند، کلیدواژه‌های هم‌معنی مانند «اندیشه سیاسی اسلامی» و «اندیشه سیاسی اسلام» یکسان‌سازی شد و نام نویسندگانی که با شکل‌های متفاوت در مقالات مختلف ظاهر شده بودند، تصحیح گردید؛ همچنین عنوان دانشگاه‌ها که در برخی موارد با ساختارهای مختلف درج شده بود، به شکل واحد درآمد تا پراکندگی داده‌ها کاهش یابد. برای تحلیل داده‌ها، مجموعه‌ای از ابزارهای تخصصی علم‌سنجی به کار گرفته شد. برای تهیه ماتریس هم‌رخدادی واژگان و آماده‌سازی داده‌های اولیه تحلیل مفهومی از نرم‌افزار RavarMatrix استفاده شد. نرم‌افزار UCINET نیز برای تحلیل شبکه همکاری نویسندگان، محاسبه شاخص‌های مرکزیت، تراکم و روابط شبکه‌ای به کار رفت و از نرم‌افزار NetDraw نیز برای ترسیم نقشه‌های همکاری و نمایش بصری خوشه‌های علمی استفاده شد. تحلیل ساختار مفهومی نشریه مبتنی بر استخراج کلیدواژه‌های مقالات و تشکیل ماتریس هم‌رخدادی بود. در این مرحله، تنها کلیدواژه‌هایی که بیش از چهار بار در مقالات تکرار شده بودند وارد فرایند تحلیل شدند تا اعتبار مفهومی خوشه‌ها افزایش یابد. پس از انتقال ماتریس به UCINET، الگوریتم پیوند کامل برای خوشه‌بندی انتخاب شد و در نهایت نقشه موضوعی نشریه در قالب ۲۲ خوشه مفهومی ترسیم گردید که بر اساس محتوای آنها تفسیر و تحلیل شد. تحلیل شبکه همکاری علمی نیز با هدف شناسایی میزان تعامل میان نویسندگان، ساختار روابط علمی و نقش دانشگاه‌ها در تولید دانش سیاسی انجام گرفت. اطلاعات مربوط به نام نویسندگان و وابستگی سازمانی آنان وارد ماتریس همکاری شد و پس از پردازش داده‌ها در UCINET، شاخص‌هایی مانند مرکزیت درجه، مرکزیت میانجی و مرکزیت نزدیکی محاسبه گردید. تحلیل گرافیکی شبکه با NetDraw انجام شد و خوشه‌های همکاری بر اساس قدرت و تکرار روابط مشخص شدند. در بخش تحلیل استنادی، تمام

استادهای ثبت‌شده برای مقالات این نشریه در پایگاه ISC گردآوری و تحلیل شد. مقالات پراستناد شناسایی و میزان استنادها بر اساس سال انتشار بررسی گردید؛ افزون بر این توزیع استنادها بر اساس موضوعات پژوهشی نیز بررسی شد تا مشخص شود کدام حوزه‌ها بیشترین اثرگذاری را داشته‌اند. به منظور افزایش اعتبار و پایایی پژوهش، داده‌ها پس از استخراج از ISC با اطلاعات سامانه نشریه مقایسه شد. کلیدواژه‌ها در دو مرحله و به صورت مستقل بازبینی شدند و نتایج حاصل از محاسبه شاخص‌های شبکه با دروش مختلف کنترل گردید؛ همچنین به علت ماهیت عمومی داده‌ها، تمامی ملاحظات اخلاق علمی رعایت شد و از هیچ داده محرمانه یا غیرعمومی استفاده نشد. در نتیجه روش‌شناسی پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد چندبعدی علم‌سنجی و استفاده از ابزارهای دقیق تحلیلی، تصویری جامع و معتبر از ساختار تولیدات علمی نشریه علوم سیاسی ارائه می‌دهد و زمینه‌ساز تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری علمی در بخش‌های بعدی مقاله خواهد بود.

۳. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش حاصل تحلیل ۱۰۲۱ مقاله منتشرشده در نشریه علوم سیاسی طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۲ و مبتنی بر سه محور اصلی شامل تحلیل هم‌رخدادی واژگان، تحلیل شبکه همکاری علمی و تحلیل استنادی است. برای محاسبه نرخ رشد برون‌دادهای مجله علوم سیاسی از فرمول میانگین هندسی استفاده شده است. بنابر شکل ۲. نرخ رشد مجله علوم سیاسی ۲۱/۶ درصد است. برای محاسبه نرخ رشد از فرمول زیر استفاده شده است.

$$G = \sqrt[n]{G_1 \times G_2 \times G_3 \dots G_n}$$



سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ با ۱۰۰ بار تکرار، بیشترین فراوانی را دارند و سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۴۰۳ با ۲۵ بار و ۱۵ بار تکرار، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

خوشه‌های موضوعی

تحلیل کلان ساختار موضوعی مجله علوم سیاسی نشان می‌دهد که تولیدات این نشریه در قالب ۲۲

خوشه مفهومی متمایز سامان یافته‌اند که طیفی از مباحث نظری، فلسفی، فقهی، تاریخی، سیاسی و امنیتی را پوشش می‌دهند. این خوشه‌ها به طور کلی سه قلمرو اصلی را نمایندگی می‌کنند: اندیشه و فلسفه سیاسی اسلامی، سیاست خارجی و امنیت و مباحث هویتی- فرهنگی. در ادامه، مهم‌ترین محورهای هر خوشه به صورت خلاصه‌سازی شده ارائه می‌شود.

۱. توسعه، سکولاریسم و هویت تمدنی: این خوشه به رابطه توسعه، سکولاریسم، هویت دینی و تمدنی می‌پردازد و مباحثی چون ایدئولوژی، بحران هویت، روشن‌فکری، غرب‌زدگی و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را بررسی می‌کند. محور اصلی، تحلیل چالش‌های سکولاریزاسیون و واکنش اندیشه اسلامی به گفتمان‌های توسعه غربی است.

۲. عدالت و فلسفه سیاسی اسلامی: خوشه دوم به مبانی نظری عدالت در اندیشه اسلامی اختصاص دارد. حضور فارابی، غزالی، اخوان‌الصفاء و مباحث اخلاق سیاسی نشان می‌دهد که این خوشه بر تعامل فلسفه کلاسیک اسلامی، حکمت متعالیه و نظریه‌های عدالت سیاسی تمرکز دارد.

۳. فقه و حکومت اسلامی: این خوشه مباحث بنیادین حکومت اسلامی را در پرتو فقه، اجتهاد، سیره نبوی، مدینه‌النبی، نهج‌البلاغه و امنیت در اسلام تحلیل می‌کند. نقش فقه سیاسی و مبانی مشروعیت دینی در ساخت قدرت، محور اصلی این خوشه است.

۴. سیاست خارجی، امنیت و جایگاه ایران: گسترده‌ترین خوشه روابط بین‌الملل که موضوعاتی مانند امنیت، بازدارندگی، سیاست هسته‌ای، ژئوپلیتیک آشوب، برجام، کشورهای عربی و نقش منطقه‌ای ایران را در بر می‌گیرد. محور اصلی، تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مواجهه آن با تهدیدهای امنیتی و نظم بین‌الملل است.

۵. مشروعیت سیاسی و افراط‌گرایی: این خوشه رابطه مشروعیت سیاسی و جریان‌های افراطی مانند طالبان و القاعده را بررسی می‌کند و به مفاهیمی چون جهاد، لیبرالیسم، مردم‌سالاری دینی، تروریسم و حکمرانی خوب می‌پردازد.

۶. سنت، مدرنیته و اندیشه فلسفی: محور این خوشه تقابل سنت و مدرنیته و جایگاه معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه اسلامی در شکل‌دهی به اندیشه سیاسی معاصر است. نقش معتزله، سهروردی، هرمتیک و روحانیت شیعه در بازسازی هویت فکری برجسته است.

۷. اخلاق، قدرت و سیاست اسلامی: تمرکز این خوشه بر رابطه قدرت و اخلاق، نقش انقلاب اسلامی، مشروطیت، حقوق شهروندی، برابری و اندیشه متفکرانی مانند نائینی است. اخلاق سیاسی اسلامی محور اصلی تحلیل است.

۸. انقلاب اسلامی و تحولات جهان اسلام: این خوشه پیامدهای انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، سلفیه جهادی، بحران‌های منطقه‌ای (یمن، بحرین) و جریان‌هایی مانند وهابیت و خلافت را تحلیل

می‌کند.

۹. اسلام، حقوق طبیعی و اندیشه سیاسی: خوشه نهم به مبانی حقوقی و فلسفی آزادی، امنیت، تکلیف، حقوق طبیعی، مشارکت سیاسی و مقایسه اندیشه اسلامی با فلسفه غرب (لاک) تأکید دارد.

۱۰. مردم‌سالاری و ساختارهای دموکراتیک: محور این خوشه مشارکت سیاسی، دموکراسی، قدرت نرم، انتخابات، قانون اساسی، نظام انتخاباتی و سرمایه اجتماعی است. این خوشه بر تحلیل کارآمدی نظام سیاسی و مردم‌سالاری دینی تمرکز دارد.

۱۱. روش‌شناسی، گفتمان و جهانی‌شدن: این خوشه با تأکید بر روش‌شناسی، گفتمان، جهانی‌شدن، بحران، هژمونی، غیریت‌سازی و نقش رسانه‌ها، به فهم تحولات نظری و تحلیلی جهان معاصر می‌پردازد.

۱۲. دین، دولت و فرهنگ در جمهوری اسلامی: این خوشه ساختار دولت دینی، رابطه دین و دولت، روحانیت، حوزه عمومی دینی، دین مدنی و سیاست فرهنگی را بررسی می‌کند. تحلیل نظریه دولت در جمهوری اسلامی محور اصلی آن است.

۱۳. قانون، اسلام سیاسی و انقلاب: در این خوشه رابطه قانون، اسلام سیاسی، ولایت سیاسی، کودتا، آرمان‌شهر و جریان‌هایی مانند اخوان المسلمین تحلیل می‌شود. نقش ملاصدرا در فلسفه سیاسی برجسته است.

۱۴. امام خمینی، ولایت فقیه و فقه حکومتی: یکی از مهم‌ترین خوشه‌ها که نظریه ولایت فقیه، فقه سیاسی، مصلحت، قاعده حفظ نظام، تراحم و بنیان‌های حکومتی اندیشه امام خمینی را بررسی می‌کند.

۱۵. فقه شیعه، مرجعیت و سیاست منطقه‌ای: این خوشه نقش مرجعیت در عراق و لبنان، امام موسی صدر، نسبت سیاست و فقه شیعه، و تأثیر استعمار بر تحولات شیعی را تحلیل می‌کند.

۱۶. سیاست، فلسفه و گفتگوی دینی: این خوشه پیوند سیاست با فلسفه و گفتگوی دینی را بررسی می‌کند و موضوعاتی چون انواع حکومت، اندیشه فیض کاشانی، شیخ طوسی و نقش مجتهدان را در بر دارد.

۱۷. قرآن، جامعه‌شناسی سیاسی و ساختار: تمرکز این خوشه بر نقش قرآن در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی-سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، جغرافیای سیاسی و میراث سیاسی اسلامی است.

۱۸. فرهنگ سیاسی، مشروطه و تاریخ ایران: این خوشه فرهنگ سیاسی ایرانیان، جنبش مشروطه، تاریخ قاجاریه و پهلوی و مباحثی چون مساوات و تصمیم‌گیری سیاسی را بررسی می‌کند.

۱۹. اندیشه سیاسی، شریعت و زنان: خوشه نوزدهم اندیشه سیاسی اسلامی، شریعت، زندگی سیاسی، فرهنگ اسلامی و نقش زنان در سیاست اسلامی را تحلیل می‌کند.

۲۰. علم سیاست، نوگرایی و اسلام‌گرایی: این خوشه تقابل مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و اسلام‌گرایی را در حوزه علم سیاست بررسی می‌کند و به جریان‌های نوگرای سیاسی می‌پردازد.

۲۱. اندیشه اسلامی معاصر: تمرکز این خوشه بر تحول اندیشه اسلامی در دوره معاصر، خط‌سیر مفهومی و نحوه مواجهه اندیشه دینی با مسائل جدید است.

۲۲. آزادی و تهدیدهای امنیتی: خوشه‌ای کوچک، اما مهم که به رابطه آزادی، خشونت، اسارت، تروریسم و ناامنی می‌پردازد.

تحلیل ۲۲ خوشه موضوعی نشریه علوم سیاسی نشان می‌دهد که این نشریه سه محور اصلی را دنبال کرده است: اندیشه و فلسفه سیاسی اسلامی شامل عدالت، فقه سیاسی، ولایت فقیه و دولت اسلامی؛ سیاست خارجی و امنیت ملی با تمرکز بر روابط بین‌الملل، خاورمیانه، بازدارندگی، سیاست هسته‌ای و تحولات منطقه؛ و مسائل هویتی، فرهنگی و تاریخی مانند توسعه، سکولاریسم، هویت ملی، فرهنگ سیاسی، مشروطه و سنت- مدرنیته؛ همچنین خوشه‌هایی درباره روش‌شناسی، تحلیل گفتمان، قرآن و جامعه‌شناسی سیاسی، زنان، آزادی و سیاست فرهنگی وجود دارد که نشان‌گستره چندرشته‌ای و ترکیب مباحث نظری و کاربردی در نشریه است.

۱-۳. مقالات و نویسندگان پُر استناد مجله علوم سیاسی

تحلیل استنادی مقالات منتشر شده در مجله علوم سیاسی نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۲، مجموعه‌ای از مقالات با دریافت استنادهای بالا، نقش محوری در شکل‌دهی به حوزه‌های هویتی، فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی اسلام و امنیت منطقه‌ای داشته‌اند. داده‌ها نشان آن است که در میان مقالات بررسی‌شده، موضوعاتی همچون تحلیل گفتمان، نظریه سیاسی، هویت ملی، فقه سیاسی، امنیت در اسلام و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیشترین سطح توجه پژوهشگران را به خود اختصاص داده‌اند. در رتبه‌بندی مقالات پُر استناد، مقاله «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش» در ۱۳۸۳، با ۱۶۰ استناد در صدر قرار دارد و به عنوان تأثیرگذارترین مقاله این نشریه شناخته می‌شود. پس از آن، مقاله «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی» با ۱۰۷ استناد در جایگاه دوم قرار دارد. این دو مقاله نشان می‌دهند که رویکردهای گفتمان‌محور در سال‌های ابتدایی انتشار نشریه بیشترین اقبال را در حوزه علوم سیاسی داشته‌اند. مقاله «چیستی هویت ملی» با ۲۳ استناد در جایگاه سوم قرار دارد که بیانگر اهمیت مباحث هویتی و نگرانی از بحران هویت در دهه هشتاد است. مقاله «امنیت در اسلام» (۲۱ استناد) و «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقه‌ای» (۲۰ استناد) نیز از جمله آثار مهم و اثرگذار در حوزه امنیت، فقه سیاسی و عدالت اسلامی هستند. در تحلیل توزیع زمانی استنادها مشخص شد که سال ۱۳۸۳ بیشترین تعداد مقالات پُر استناد را در بر می‌گیرد و این امر نشان‌موج اولیه تولید علم در حوزه نظریه‌پردازی سیاسی و مطالعات گفتمان در ابتدای دهه هشتاد است. در مقابل، مقالات منتشر شده پس از ۱۳۸۸ استنادهای کمتری دریافت کرده‌اند. این موضوع می‌تواند ناشی از فاصله زمانی کمتر برای

دریافت استاد یا تغییر گرایش‌های پژوهشی در حوزه علوم سیاسی باشد. از نظر مشارکت سازمانی، دانشگاه‌های باقرالعلوم (ع)، تهران، شهید بهشتی، امام صادق (ع) و مفید بیشترین سهم را در انتشار مقالات پُر استناد داشته‌اند. این موضوع نشان نقش محوری دانشگاه‌های دارای رویکرد اسلامی - انقلابی و نهادهای مرتبط با علوم انسانی در تولید دانش سیاسی کشور است؛ همچنین نویسندگانی مانند حمید پارسانیا، اصغر افتخاری، علی اصغر سلطانی، نجف لک‌زایی و رضا خراسانی از جمله پژوهشگرانی هستند که در میان آثار پُر استناد، بیش از یک مقاله دارند. به طور کلی بررسی مقالات و نویسندگان پُر استناد نشان می‌دهد که محورهای اصلی جذب استاد در مجله علوم سیاسی شامل تحلیل گفتمان، هویت، نظریه سیاسی، امنیت، سیاست خارجی، فقه سیاسی و عدالت اسلامی بوده است. این یافته‌ها افزون بر آشکار کردن موضوعات اثرگذار در دهه مورد بررسی، اهمیت مقالات نظری - مفهومی و آثار مرتبط با تحولات فکری و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را برجسته می‌سازد.

۲-۳. پُر تولیدترین نویسندگان مجله علوم سیاسی

یافته‌های مربوط به تولیدات علمی نشان می‌دهد که مجله علوم سیاسی در بازه مورد بررسی، از نظر مشارکت نویسندگان بسیار گسترده بوده و در مجموع ۸۰۸ نویسنده در انتشار مقالات این مجله سهم داشته‌اند. این گستره مشارکت نشانگر جایگاه مهم مجله در میان پژوهشگران حوزه اندیشه سیاسی اسلامی، سیاست داخلی و روابط بین‌الملل است. بررسی الگوی تولید علمی نویسندگان نشان داد که تعداد معدودی از پژوهشگران نقش برجسته‌تری در تولید دانش این حوزه داشته‌اند و به عنوان نویسندگان پُر تولید شناخته می‌شوند. نتایج تحلیل فراوانی نویسندگان نشان می‌دهد که نجف لک‌زایی با انتشار ۱۹ مقاله در جایگاه نخست پُر تولیدترین پژوهشگران قرار دارد. پس از او، احمد واعظی با ۱۸ مقاله یکی از فعال‌ترین نویسندگان در این حوزه محسوب می‌شود. رتبه‌های بعدی به حمید پارسانیا با ۱۲ مقاله و دو پژوهشگر نام‌آشنا، داود فیرحی و غلامرضا بهروزی‌لک با ۱۱ مقاله اختصاص یافته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که طی سال‌های بررسی شده، بخش مهمی از تولید علمی این مجله را گروهی از متخصصان حوزه اندیشه سیاسی اسلامی، فلسفه سیاسی و سیاست ایران هدایت کرده‌اند. در میان دیگر پژوهشگران فعال، افرادی مانند منصور میراحمدی (۱۰ مقاله)، عبدالوهاب فراتی (۹ مقاله)، شریف لک‌زایی (۹ مقاله)، علیرضا صدرا (۸ مقاله)، مرتضی یوسفی‌راد (۸ مقاله)، سید عبدالقیوم سجادی (۷ مقاله) و کاظم سیدباقری (۷ مقاله) حضور دارند که همگی در شکل‌دهی به جریان‌های علمی مجله نقش قابل توجهی داشته‌اند؛ همچنین نام پژوهشگرانی همچون سجاد ایزدهی، صادق حقیقت، محمدعارف نصر، ابراهیم متقی و محسن مهاجرنیا با ۶ مقاله در رتبه‌های بعدی هستند. تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که ساختار علمی مجله علوم سیاسی هم‌زمان از دو ویژگی برخوردار است:

۱. گستره زیاد مشارکت علمی (۸۰۸ نویسنده)، که بیانگر تنوع رویکردها و جذب جامعه علمی وسیع است؛

۲. نقش هسته سخت علمی (حدود ۲۰ پژوهشگر پرتولید) که با تعداد مقالات بالا، مسیرهای مفهومی و گفتمانی مجله را هدایت کرده‌اند.

به طور کلی یافته‌ها بیانگر آن است که مجله علوم سیاسی نه تنها محمل مهمی برای نشر مطالعات اندیشه سیاسی اسلامی و فلسفه سیاسی در ایران بوده، بلکه به واسطه حضور پژوهشگران پرتولید، روندی پایدار و اثرگذار در تولید دانش این حوزه ایجاد کرده است.

۳-۳. پرتولیدترین سازمان‌های منتشرکننده نویسندگان مجله علوم سیاسی

تحلیل وابستگی‌های سازمانی نویسندگان نشان داد که مجله علوم سیاسی از گستره قابل توجهی از نهادهای علمی، پژوهشی و دانشگاهی کشور بهره‌مند است. در بازه زمانی مورد بررسی، ۱۵۰ سازمان در انتشار مقالات این مجله مشارکت داشته‌اند؛ این تنوع سازمانی نشان جذب گسترده نویسندگان دانشگاه‌های مختلف و همچنین حضور پژوهشگران فعال در مراکز علمی-پژوهشی کشور است. بررسی فراوانی سازمانی نشان داد که دانشگاه باقرالعلوم (ع) با ۱۴۲ اثر، بیشترین میزان مشارکت در تولیدات علمی این مجله را دارد و به عنوان مهم‌ترین نهاد پشتیبان علمی مجله شناخته می‌شود. پس از آن، دانشگاه تهران با ۵۶ اثر در رتبه دوم و دانشگاه تربیت مدرس با ۳۲ اثر در جایگاه سوم قرار دارند. این سه مجموعه علمی نقش محوری در شکل دهی هسته تولید دانش در مجله ایفا می‌کنند و بخش عمده‌ای از جریان‌های فکری آن را هدایت می‌نمایند. در رتبه‌های بعدی، دانشگاه شهید بهشتی (۲۷ اثر)، دانشگاه علامه طباطبائی (۲۳ اثر)، و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۸ اثر) قرار دارند که نشان حضور فعال مراکز پژوهشی در حوزه علوم انسانی است؛ همچنین دانشگاه آزاد اسلامی با ۶۲ اثر به عنوان یکی از پرتکرارترین نهادهای آموزشی کشور نقش پررنگی در این مجله داشته است. دیگر سازمان‌ها از جمله دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، حوزه علمیه قم، دانشگاه مازندران، دانشگاه اصفهان، دانشگاه فردوسی مشهد و جامعةالمصطفی العالمیه نیز به صورت مستمر در انتشار مقالات نقش داشته‌اند. این الگو نشان می‌دهد که تولیدات علمی مجله علوم سیاسی افزون بر اتکا به بدنه دانشگاهی کشور، از پشتوانه پژوهشی نهادهای تخصصی علوم انسانی نیز بهره‌مند است. تمرکز بالای آثار در چند سازمان خاص، نشانگر وجود «هسته تولید علمی» نیرومند در این حوزه است؛ هسته‌ای که نقش اصلی را در هدایت مباحث نظری و توسعه حوزه سیاست در ایران ایفا می‌کند.

تأثیر سیاست‌گذاری علمی و اخذ رتبه علمی-پژوهشی بر تکامل ساختار مفهومی و تغییر

جهت‌گیری‌های موضوعی مقالات نشریه علوم سیاسی

با هدف درک دقیق‌تر سیر تطور مفهومی نشریه تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های علمی (اخذ رتبه در سال ۱۳۹۰)، نقشه هم‌رخدادی واژگان در دو مقطع زمانی متمایز «۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹» و «۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲» جداگانه تحلیل شد. در مقطع نخست (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹)، بررسی شبکه هم‌رخدادی نشان داد که تمرکز نشریه بیشتر بر مباحث بنیادین، گفتمانی و نظری بوده است. در این دوره، کلیدواژه‌هایی مانند سیاست، امنیت، تحلیل گفتمانی، فلسفه سیاسی، فقه سیاسی، جهانی‌شدن، سکولاریسم و دموکراسی با بالاترین میزان بسامد و پیوند در شبکه ظاهر شده‌اند. محوریت این مفاهیم بیانگر فضای بازتر گفتمانی و غلبه رویکردهای نظری-جستاری در سال‌های پیش از اعمال معیارهای سخت‌گیرانه علمی-پژوهشی است. در مقابل، تحلیل ساختار مفهومی در مقطع دوم (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲) - پس از پالایش هدفمند واژگان روشی و ساختاری اجباری در مقالات - نشان یک چرخش مفهومی^۱ ملموس به سمت مباحث تخصصی‌تر و کاربردی‌تر است. در این بازه، واژگان هسته به مفاهیمی همچون قدرت، اندیشه سیاسی، سیاست خارجی، سازه‌انگاری، جهان اسلام و سلفی‌گری تکفیری تغییر یافته‌اند که دارای بالاترین شاخص مرکزیت در شبکه هستند. مقایسه این دو الگو در پاسخ به مسئله پژوهش تأیید می‌کند که ارتقای رتبه نشریه و الزام به رعایت چارچوب‌های ارزیابی، موجب گذار از فاز نظریه‌پردازی عام و کلان به فاز مطالعات ساختارمند و مسئله‌محور در حوزه علوم سیاسی شده و تمرکز پژوهشگران را به سمت موضوعات تخصصی‌تر و انضمامی‌تر سوق داده است.

۴-۳. جایگاه مجله علوم سیاسی در پایگاه استنادی ISC

بررسی وضعیت نشریه علوم سیاسی در پایگاه‌های استنادی ملی، به‌ویژه پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، نشان می‌دهد که نشریه در حوزه‌های «علوم انسانی» و «علوم اجتماعی» نمایه شده و ماهیت میان‌رشته‌ای آن به تأیید رسیده است. این جایگاه، اهمیت نشریه در تولید دانش میان‌رشته‌ای به‌ویژه در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی، روابط بین‌الملل و سیاست داخلی را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های شورای عالی حوزه‌های علمیه در سال ۱۴۰۲، مجله علوم سیاسی طی سال‌های اخیر در عملکرد استنادی خود روند روبه‌رشدی را تجربه کرده است. اگرچه چارک علمی نشریه در برخی سال‌ها اعلام نشده، در بازه‌های ثبت‌شده، مجله غالباً در چارک سوم (Q3) و چارک چهارم (Q4) قرار گرفته است. این وضعیت بیانگر آن است که نشریه در حال طی مسیر ارتقای شاخص‌های کیفی است و ظرفیت دارد با تقویت تولیدات علمی، به چارک‌های بالاتر نیز دست یابد؛ همچنین تحلیل شاخص‌های علم‌سنجی ISC نشان می‌دهد که ضریب تأثیر نشریه طی سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته و میزان خوداستنادی آن در حد

1. Conceptual Shift.

قابل قبول و کنترل شده قرار دارد. با توجه به ماهیت علوم سیاسی که معمولاً از نظر استنادی روندی کندتر نسبت به علوم پایه دارد، این رشد تدریجی قابل توجه است. به طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که مجله علوم سیاسی ضمن بهره‌مندی از پشتوانه قوی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور، در حوزه استناد علمی نیز جایگاه تثبیت شده‌ای دارد و روند روبه‌رشد آن می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای رتبه و افزایش مرجعیت علمی در سال‌های آینده باشد.

۳-۵. مجلات استنادکننده به مقالات مجله علوم سیاسی

یافته‌های مربوط به الگوی استناد نشان می‌دهد که نشریات مختلف علمی در دوره بررسی، در ۱۳۲ مورد استناد به مجله علوم سیاسی ارجاع داده‌اند. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که بیشترین حجم استنادها مربوط به سال‌های قبل از ۱۳۹۳ است؛ دوره‌ای که ۸۴ مورد از استنادهای ثبت شده به آن سال‌ها تعلق دارد و نشان جایگاه به نسبت تثبیت شده مجله در دهه نخست فعالیت آن است. پس از سال ۱۳۹۳، روند استنادها حالت نوسانی پیدا می‌کند و در برخی سال‌ها از جمله ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تعداد استنادها به ۷ مورد می‌رسد، اما در سال‌های اخیر این روند کاهش یافته و در سال ۱۴۰۲ هیچ استنادی ثبت نشده و سال ۱۴۰۱ تنها یک استناد مشاهده شده است. این کاهش قابل توجه در سال‌های پایانی، می‌تواند ناشی از تغییر روندهای پژوهشی، افزایش تعداد مجلات رقیب در حوزه سیاست، یا کاهش تولیدات پرارجاع در سال‌های اخیر باشد. تحلیل مجلات استنادکننده نشان می‌دهد که طیف متنوعی از نشریه‌های حوزه‌های مختلف علوم انسانی به مجله علوم سیاسی ارجاع داده‌اند؛ با این حال بیشترین سهم استنادها به مجلات تخصصی مرتبط با علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، علوم اجتماعی، فرهنگ و حقوق تعلق دارد. در میان مجلات تخصصی حوزه سیاست، نشریه پژوهش‌های سیاست/اسلامی با ۵ استناد و علوم سیاسی با ۳ استناد بیشترین میزان رجوع را داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مقالات منتشرشده در مجله علوم سیاسی بیشترین تأثیر را بر ادبیات علمی در حوزه اندیشه سیاسی و سیاست اسلامی گذاشته‌اند. در حوزه مجلات میان‌رشته‌ای، نشریه‌هایی مانند پژوهشنامه رسانه بین‌الملل با ۳ استناد و بحران‌پژوهی جهان/اسلام با ۲ استناد قرار دارند که بیانگر نفوذ مقالات مجله در حوزه مطالعات رسانه‌ای، امنیتی و جهان اسلام است؛ همچنین در حوزه حقوق، مجلات مطالعات حقوقی با ۳ استناد و پژوهشنامه حقوق اسلامی با ۲ استناد سهم قابل توجهی در استناد به مجله داشته‌اند. در بخش مطالعات دینی و قرآنی، نشریه‌هایی مانند آموزه‌های قرآنی با ۲ استناد و پژوهشنامه معارف قرآنی با (۱) استناد به مقالات مرتبط با اندیشه سیاسی اسلامی و سیاست دینی ارجاع داده‌اند؛ همچنین حوزه مدیریت و علوم سازمانی نیز با مجلاتی مانند مدیریت دولتی (۲ استناد) و پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی (۱ استناد) به صورت محدود، اما معنادار در الگوی استناد ظاهر شده است. از میان مجلات با بیشترین استناد، رهیافت

انقلاب/اسلامی با ۸ استناد بالاترین میزان ارجاع را به خود اختصاص داده و پس از آن، نشریه‌هایی مانند نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان و دانش حقوق عمومی هرکدام با ۵ استناد قرار دارند. این سه مجله در مجموع بیش از ۱۸ درصد کل استنادها را تشکیل می‌دهند و نشان می‌دهند که بیشترین تأثیر مجله علوم سیاسی بر حوزه‌های اندیشه انقلاب اسلامی، نظریه‌پردازی اجتماعی - اسلامی و حقوق عمومی بوده است. جمع‌بندی اینکه استنادهای دریافتی مجله علوم سیاسی از طیف گسترده‌ای از مجلات تخصصی و میان‌رشته‌ای سرچشمه می‌گیرند و جایگاه این مجله را در حوزه‌های سیاست، حقوق، فرهنگ و مطالعات اسلامی تثبیت می‌کنند. با وجود این، کاهش استناد در سال‌های اخیر نکته‌ای قابل تأمل است که می‌تواند در مطالعات آینده تحلیل شود؛ از جمله بررسی نقش زمان انتشار، رقابت مجلات هم‌تخصص، پویایی موضوعات پژوهشی و جایگاه مجله در شبکه استنادی علوم انسانی ایران.

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با ارائه تصویری روشن از وضعیت تولیدات علمی نشریه علوم سیاسی، نشان می‌دهد که این نشریه در طی یک دهه، به‌ویژه در سال‌های ابتدایی انتشار، نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به گفتمان پژوهشی حوزه علوم سیاسی در ایران ایفا کرده است. بررسی پراکندگی زمانی مقالات پُر استناد نشان می‌دهد که بیشترین استنادها به مقالاتی تعلق دارد که در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ منتشر شده‌اند؛ مقالاتی که طیفی از موضوعات بنیادین از جمله تحلیل گفتمان، نظریه سیاسی، هویت ملی و امنیت سیاسی را پوشش می‌دادند. این تمرکز موضوعی نشان می‌دهد که فضای پژوهشی آن دوره به‌شدت تحت تأثیر مباحث نظری و چارچوب‌های مفهومی کلان بوده و پژوهشگران در پی تبیین و تحلیل مفاهیم اساسی در سیاست ایران و جهان بوده‌اند. از سوی دیگر کاهش استنادها در مقالات منتشرشده پس از سال ۱۳۸۸ حکایت از تغییر جهت‌گیری‌های پژوهشی و نیز افزایش رقابت میان نشریه‌های مختلف دارد؛ امری که باعث شده مقالات جدیدتر فرصت کمتری برای انباشت استناد در کوتاه‌مدت داشته باشند. بنابر یافته‌های پژوهش، ساختار موضوعی نشریه علوم سیاسی بر پایه ۲۲ خوشه مفهومی شکل گرفته است که هر یک بازتاب‌دهنده گرایش‌ها، دغدغه‌ها و جریان‌های فکری حاکم بر ادبیات علوم سیاسی در ایران طی یک دهه بوده‌اند. بررسی وزن ارتباطی این خوشه‌ها نشان می‌دهد که برخی موضوعات در مرکز شبکه مفهومی نشریه قرار دارند؛ درحالی‌که برخی خوشه‌ها با وزن پایین‌تر، حوزه‌های کم‌کاربردتر یا تازه‌پدید هستند. در میان همه خوشه‌ها، خوشه «سیاست» با وزن ۳۲۸ و فراوانی ۹۳ ارتباط، هسته مرکزی نقشه مفهومی را تشکیل می‌دهد. این خوشه دربرگیرنده مفاهیمی همچون سیاست‌گذاری، قدرت، نظام سیاسی و تحلیل سیاسی است و نشان می‌دهد که نشریه بیشترین تمرکز خود را بر مسائل بنیادین نظری علوم سیاسی قرار داده است؛ پس از آن خوشه «اندیشه سیاسی» با وزن ۲۷۸ و فراوانی ۸۴ ارتباط، دومین

خوشه محوری به شمار می‌رود. موضوعاتی مانند اندیشه اسلامی، فلسفه سیاسی، مبانی نظری و نظریه‌های سیاسی در این خوشه قرار می‌گیرند و از نقش تعیین‌کننده جریان اندیشه‌ورزی در چارچوب تولیدات علمی نشریه حکایت دارد. در رده‌های بعد، خوشه‌هایی با ماهیت برآمده از فقه سیاسی و الهیات سیاسی قرار دارند. خوشه‌هایی مانند «فقه سیاسی»، «امام خمینی»، «ولایت فقیه»، «شریعت»، «حکم حکومتی» و «مصلحت» هرکدام با وزن‌های ارتباطی متوسط اما معنادار، نشان می‌دهند که نشریه سهم قابل توجهی را به بازاندیشی نسبت میان دین و سیاست اختصاص داده است. این خوشه‌ها معمولاً مرتبط با پژوهشگران وابسته به مراکز پژوهشی حوزه علمیه، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه باقرالعلوم (ع) و پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی هستند. وزن بالای خوشه «امام خمینی» و ارتباط آن با خوشه‌های «فقه سیاسی» و «اندیشه سیاسی» نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مقالات این نشریه به بازخوانی میراث فکری بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی ایران و تحلیل نظریه‌های حکمرانی اسلامی اختصاص یافته است. در بخش دیگری از این نقشه مفهومی، خوشه‌های مرتبط با هویت، فرهنگ، جامعه و زنان دیده می‌شود. خوشه «هویت» با ارتباطات متنوع به خوشه‌های سیاست، فرهنگ اسلامی و جامعه‌شناسی سیاسی، نشان اهمیت هویت ملی، هویت سیاسی و هویت دینی در پژوهش‌های این نشریه است؛ همچنین خوشه «فرهنگ اسلامی» نشان می‌دهد که تعامل میان فرهنگ و سیاست یکی از محورهای قابل توجه در این نشریه بوده است و نویسندگان متعددی به تحلیل پیامدهای فرهنگی سیاست در ایران پرداخته‌اند. خوشه «زنان» نیز هرچند وزن ارتباطی کمتری (۱۲) دارد، در کنار خوشه‌هایی چون «شریعت» و «حقوق سیاسی» به بازتاب دغدغه‌های نوپدید جامعه ایرانی پرداخته است.

به طور خاص خوشه‌هایی مانند «گفتگو»، «نظریه»، «قدرت»، «منافع ملی»، «امنیت» و «سیاست خارجی» نقش مهمی در اتصال بخش‌های مختلف شبکه مفهومی دارند؛ برای نمونه خوشه «گفتگو» با وزن ارتباطی ۵۶ نشانگر توجه نویسندگان نشریه به رویکردهای ارتباطی، مباحث گفتمان‌محور و تحلیل‌های زبانی در تبیین مسائل سیاست ایران است. خوشه «امنیت» نیز که با مفاهیمی همچون سیاست خارجی، تهدیدهای نوظهور و امنیت فرهنگی ارتباط تنگاتنگی دارد، بیانگر اهمیت مطالعات امنیتی در نشریه است. از سوی دیگر برخی خوشه‌ها وزن ارتباطی پایین‌تری دارند؛ خوشه‌هایی مانند «زنان»، «فرهنگ اسلامی»، «فقه سیاسی شیعه» یا «تفکر سیاسی شیعه» در این دسته قرار می‌گیرند. وزن ارتباطی کمتر این خوشه‌ها بدین معنا نیست که اهمیت علمی ندارند، بلکه نشان این است که موضوعات یادشده کمتر مورد توجه گسترده نویسندگان قرار گرفته یا در سال‌های خاصی تمرکز یافته‌اند. درواقع این خوشه‌های کم‌وزن، نشانه‌هایی از حوزه‌های بالقوه هستند که می‌توان در آینده برای گسترش پهنه پوشش علمی نشریه به آنها توجه بیشتری کرد. ترکیب این ۲۲ خوشه نشان می‌دهد که نشریه علوم سیاسی توانسته است تعادل قابل توجهی میان پژوهش‌های نظری، دینی، فرهنگی و سیاستی ایجاد کند و تصویری

چندبعدی از تحولات علوم سیاسی در ایران ارائه دهد. شبکه ارتباطی موضوعات در این نشریه نشان می‌دهد برخی حوزه‌ها مانند اندیشه سیاسی و سیاست، نقش مرکزی در هدایت جریان فکری نشریه داشته‌اند و حوزه‌هایی مانند امنیت، سیاست خارجی، هویت و نظریه‌پردازی، حوزه‌های مکمل و پیونددهنده در این ساختار بوده‌اند. با توجه به این تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت که نشریه علوم سیاسی موفق شده است مجموعه‌ای به نسبت جامع از مباحث مرتبط با سیاست ایران را پوشش دهد و همچنان جایگاه خود را به عنوان یکی از نشریه‌های پیشرو در حوزه مطالعات سیاسی حفظ کند. یافته‌های حاصل از تحلیل تطبیقی ساختار مفهومی این نشریه در دو مقطع پیش و پس از اخذ رتبه علمی-پژوهشی (سال ۱۳۹۰)، تبیین‌کننده تأثیر مستقیم و عمیق سیاست‌گذاری‌های نهادی و آکادمیک بر مهندسی دانش و جهت‌گیری‌های محتوایی یک حوزه تخصصی است. چرخش مفهومی رخ داده از واژگان کلان و گفتمانی در دوره نخست به سمت مفاهیم مسئله‌محور و کاربردی در دوره دوم، نشان آن است که معیارسازی ساختار مقالات، فراتر از یک تغییر صوری، لایه‌های معرفت‌شناختی و اولویت‌های پژوهشی نویسندگان را بازتعریف کرده است. از منظر تحلیلی، غلبه مفاهیم نظری و جستارگونه در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ حاکی از شکل‌گیری نشریه در یک بستر فکری پویا و فارغ از چارچوب‌های بروکراتیک آکادمیک است که امکان تکرار در طرح مباحث اندیشه‌ای و جریان‌سازی گفتمانی را فراهم می‌کرد؛ با این حال ورود نشریه به فاز علمی-پژوهشی از سال ۱۳۹۰، تمرکز شبکه واژگانی را به سمت موضوعات عینی‌تر، ملموس‌تر و کاربردی‌تر سوق داده است. این پدیده از یک سو نشانگر ارتقای روش‌شناختی، مسئله‌مندی و انطباق نشریه با نیازهای سیاستی جامعه است، اما از سوی دیگر می‌تواند تبیین‌کننده نوعی «تصلب ساختاری» در تولید دانش باشد؛ به گونه‌ای که غلبه قالب‌های صوری اجباری و چارچوب‌های روشی، تا حدودی فضای باز اندیشه‌ورزی کلان‌سال‌های اولیه را محدود کرده و ساختار مفهومی را به سمت مطالعاتی نظام‌مند، اما با دامنه جریان‌سازی محدودتر حرکت داده است؛ امری که علت ساختاری افت استنادها به نشریه در مقطع دوم را نیز روشن می‌سازد.

در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که اخذ رتبه علمی-پژوهشی به عنوان یک متغیر سیاست‌گذار، مجله را از فاز نظریه‌پردازی عام و کلان به فاز مطالعات مسئله‌محور و تخصصی هدایت کرده است. این یافته در ادبیات علم‌سنجی مؤید این واقعیت است که نقشه‌های دانش و شبکه‌های هم‌رخدادی واژگان در نشریه‌های دانشگاهی، بازتابی عینی از تلاقی «معرفت علمی» و «بروکراسی ارزیابی» هستند و هرگونه دگرگونی در قوانین ارتقا و رتبه‌بندی مجلات، به طور مستقیم هندسه فکری و اولویت‌های محتوایی پژوهشگران را بازآرایی می‌کند. بررسی دقیق جدول مقالات پُرستاد نشان می‌دهد که موضوع «تحلیل گفتمان» در صدر توجه پژوهشگران قرار داشته است و دو مقاله «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش» و «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی» منتشر شده در سال ۱۳۸۳، به ترتیب با ۱۶۰ و

۱۰۷ استاد، بیشترین اثرگذاری را داشته‌اند. این داده‌ها گویای آن است که تحلیل گفتمان به عنوان رویکردی روش‌شناختی و نظری، جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های علوم سیاسی ایران داشته است و همچنان یکی از ارکان شکل‌دهنده مطالعات انتقادی و تحلیلی در این حوزه به شمار می‌رود؛ همچنین مقالاتی با محوریت هویت، امنیت، عدالت سیاسی و قدرت فرهنگی در رتبه‌های بعدی قرار دارند و نشان می‌دهند که نشریه توانسته است در پوشش موضوعات کلیدی مرتبط با جامعه و سیاست ایران نقش فعالی ایفا کند.

در تحلیل نویسندگان پرتولید نیز الگوی قابل‌توجهی مشاهده می‌شود. پژوهش‌شان نشان داد که نویسندگانی مانند نجف لک‌زایی، احمد واعظی، حمید پارسانیا، داود فیروزی و غلامرضا بهروزی‌لک بیشترین مشارکت را در انتشار مقالات این نشریه داشته‌اند و مجموعاً سهم مهمی از تولیدات علمی را به خود اختصاص داده‌اند. مشارکت گسترده این گروه از پژوهشگران نشانگر وجود هسته‌های فعال علمی در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی، فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و نظریه‌پردازی سیاسی است. همین افراد با وابستگان سازمانی آنها بسیاری از مقالات پُراستاد را نیز تولید کرده‌اند؛ به گونه‌ای که همخوانی واضحی میان «نویسندگان پرتولید» و «نویسندگان پُراستاد» مشاهده می‌شود. این همپوشانی نشان نقش محوری این افراد در غنی‌سازی ادبیات علوم سیاسی ایران و هدایت مسیر پژوهش درون‌نشریه است.

از نظر وابستگی سازمانی نیز داده‌ها نشان می‌دهد که دانشگاه‌های باقرالعلوم (ع)، تهران، شهید بهشتی، امام صادق (ع)، مفید و تربیت مدرس بیشترین سهم را در انتشار مقالات پُراستاد داشته‌اند. این تمرکز سازمانی نشان می‌دهد که تولید دانش در حوزه علوم سیاسی ایران تا حد زیادی حول محور نهادهای علمی و پژوهشی خاصی شکل گرفته است که دارای زیرساخت‌های پژوهشی فعال و هسته‌های تحقیقاتی مستمر در زمینه‌های مرتبط با سیاست، هویت، امنیت و نظریه‌پردازی سیاسی هستند. دانشگاه باقرالعلوم (ع) به طور ویژه در تولید مقالات پُراستاد مرتبط با اندیشه سیاسی اسلامی و تحلیل گفتمان برجسته است؛ در حالی که دانشگاه تهران و شهید بهشتی در حوزه‌های سیاست خارجی، امنیت و نظریه‌های سیاسی نقش پررنگی داشته‌اند.

تحلیل روندهای استنادی نیز نکات مهمی را آشکار می‌سازد. نخست آنکه سال‌های ابتدایی انتشار نشریه، بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند و این امر می‌تواند ناشی از تازگی موضوعات، خلأ پژوهشی گسترده‌تر در آن دوره و نیز اولویت‌یابی بالاتر مباحث نظری و بنیادی در پژوهش‌های زمانه باشد. دوم آنکه مقالات منتشرشده در سال‌های پایانی دوره بررسی‌شده (به‌ویژه پس از ۱۳۸۹) استادهای کمتری دریافت کرده‌اند که به احتمال به دلیل اشباع نسبی حوزه‌های پژوهشی، افزایش تعداد نشریه‌های مشابه و تغییرات در نظام ارجاع‌دهی پژوهشگران است؛ با این حال همچنان برخی از این مقالات به‌ویژه آنهایی که به

موضوعات نوظهور نظیر داعش، تأثیر گفتمان‌های جدید یا روابط ژئوپلیتیک پرداخته‌اند، در میان مقالات پُرستناد قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهد نشریه در پوشش تحولات جدید نیز عملکرد قابل قبولی داشته است.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نشریه علوم سیاسی ظرفیت‌های قابل توجهی در تولید دانش تخصصی و نظری در حوزه سیاست دارد؛ با این حال برای استمرار اثرگذاری علمی، پیشنهاد می‌شود نشریه به سمت افزایش تنوع موضوعی، تشویق به انتشار پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، تقویت همکاری‌های پژوهشی بین‌دانشگاهی و بهره‌گیری از موضوعات نوظهور و مطالعات تطبیقی حرکت کند؛ همچنین تمرکز بیشتر بر روش‌های پژوهشی نوین مانند تحلیل شبکه، سیاست‌پژوهی و روش‌های داده‌محور می‌تواند به ارتقای جایگاه نشریه در نظام علمی کشور کمک کند.

۵. پیشنهادها

۵-۱. پیشنهادهای پژوهشی

بر اساس نتایج پژوهش، به‌ویژه تحلیل خوشه‌های بیست‌و‌دوگانه موضوعی، چند مسیر مشخص برای گسترش پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود: نخست آنکه برخی خوشه‌ها مانند «زنان»، «فرهنگ اسلامی»، «شریعت»، «فقه سیاسی شیعه» و «تفکر سیاسی» وزن ارتباطی کمتری داشته‌اند؛ بنابراین این حوزه‌ها ظرفیت بسیار بالایی برای گسترش پژوهش دارند و می‌توانند به عنوان موضوعات اولویت‌دار در مطالعات علمی آینده انتخاب شوند. توجه به این حوزه‌ها افزون بر پرکردن خلأهای موجود، می‌تواند به تنوع‌بخشی محتوای نشریه نیز کمک رساند. پیشنهاد دوم اینکه حوزه‌هایی همچون «هویت»، «امنیت»، «تحلیل گفتمان»، «مصلحت»، «سیاست خارجی» و «قدرت» که در ۲۲ خوشه، وزن ارتباطی بالایی داشتند، نیازمند تحلیل‌های عمیق‌تر و پیشرفته‌تر هستند. پژوهشگران می‌توانند با بررسی تطبیقی، مطالعات تاریخی - تحلیلی یا تحلیل‌های نظری گسترده‌تر، این مباحث را از سطح توصیفی به سطح نظریه‌پردازی ارتقا دهند. پیشنهاد سوم این است که با توجه به اینکه مقالات پُرستناد بیشتر به سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ مربوط بودند، پژوهشگران آینده می‌توانند چرایی این تمرکز استنادی را بررسی کنند: آیا به دلیل ماهیت نظری مقالات بوده است یا اینکه خلأ موضوعی در آن دوره وجود داشته است؟ یا تغییر فضای پژوهشی دهه ۱۳۹۰ باعث افت استناد شده است؟ این پرسش‌ها می‌توانند موضوع پژوهش‌های جدید باشند.

۵-۲. پیشنهادهای کاربردی

نتایج این پژوهش چند پیشنهاد مهم برای مدیران و سیاست‌گذاران نشریه علوم سیاسی نیز دارد. نخست اینکه با توجه به وزن بالای خوشه‌هایی مانند «اندیشه سیاسی»، «سیاست»، «امنیت» و

«تحلیل گفتمان»، پیشنهاد می‌شود نشریه با ایجاد پرونده‌های ویژه^۱ در این حوزه‌ها به تقویت موقعیت علمی خود در مباحث کلیدی کمک کند.

دوم آنکه خوشه‌های کم‌وزن‌تر مانند «زنان»، «فرهنگ اسلامی» و «فقه سیاسی شیعه» نشان می‌دهند که این حوزه‌ها کمتر مورد توجه نویسندگان بوده‌اند. نشریه می‌تواند با فراخوان‌های موضوع‌محور، این حوزه‌ها را فعال کند و به جذب تنوع محتوایی بیشتر کمک رساند.

سوم اینکه به پژوهشگران پُر تولید و پُر استناد نشریه مانند لک‌زایی، واعظی، پارسانیا، فیرحی و بهروزی‌لک توجه ویژه شود. این افراد هسته‌های مهم تولید علم در نشریه هستند و نشریه می‌تواند از تخصص آنها برای طراحی شماره‌های ویژه، هدایت علمی و ارتقای کیفیت انتشار بهره‌گیرد.

چهارم آنکه با توجه به کاهش استنادهای مقالات منتشر شده پس از سال ۱۳۸۸، لازم است نشریه در انتخاب موضوعات و کیفیت پژوهش‌ها بازنگری کند و بر شناسایی موضوعات با پتانسیل اثرگذاری بالا تمرکز بیشتری داشته باشد.

۶. تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل طرح پژوهشی «مطالعه علم‌سنجی مجله علوم سیاسی» است که با حمایت و همکاری پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی انجام شده است. نویسندگان بدین‌وسیله مراتب قدردانی و سپاس صمیمانه خود را از مسئولان، کارشناسان و پژوهشگران این دو مجموعه علمی ابراز می‌دارند که با فراهم‌سازی داده‌ها، پشتیبانی‌های علمی و ایجاد بسترهای مناسب پژوهشی، نقش مهمی در پیشبرد این مطالعه ایفا کرده‌اند؛ همچنین از تمامی استادان و متخصصانی که با راهنمایی‌های ارزشمند خود به غنای علمی این پژوهش افزودند، صمیمانه تشکر می‌شود.

منابع

- احمدی، ح.؛ عصاره، ف. (۱۳۹۶). مروری بر تحلیل‌های هم‌واژگانی. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۸(۱)، صص. ۱۲۵-۱۴۵.
- زارع‌فراشبندی، ف.؛ کربلایی، س.م.؛ باجی، ف.؛ زاهدیان ورنوسفادزانی، م. (۱۳۸۵). هم‌تألفی و موضوعات اصلی مقالات. *مدیریت اطلاعات سلامت*، ۳(۲)، صص. ۱۱-۲۴.
- شمسی، ا.؛ حیدری، ح.؛ چنبری، ز. (۱۳۹۹). همکاری علمی نویسندگان مجله پایش (۱۳۹۰-۱۳۹۷). *مجله علم‌سنجی کاسپین*، ۷(۱)، صص. ۴۲-۵۱.
- عرفان‌منش، م. ا.؛ بصیریان جهرمی، ر. (۱۳۹۲). شبکه هم‌تألفی مقالات منتشرشده در فصلنامه *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات* با بهره‌گیری از تحلیل شبکه. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۴(۲)، صص. ۷۶-۹۶.
- قانع، م.ر.؛ رحیمی، ف. (۱۳۹۰). تحلیل استنادی و الگوی همکاری نویسندگان شش نشریه ایرانی انگلیسی‌زبان حوزه فنی و مهندسی. *پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۲۶(۴)، صص. ۱۳۰۳-۱۳۱۹.
- مروتی اردکانی، م.؛ حسام‌پور، س. (۱۳۹۴). تحلیل استنادی مقالات فصلنامه *تقد ادبی*. *تقد ادبی*، ۸(۳۲)، صص. ۱۵۵-۱۶۹.
- نویخت، ی. (۱۳۹۸). مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی پژوهشنامه مالیات. *مطالعات دانش‌شناسی*، ۵(۱۸)، صص. ۳۳-۵۴.

References

- Ahmadi, H. & Asareh, F. (2017). A review of co-word analyses. *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 28(1), pp. 125–145. [In Persian]
- Borgatti, S. P. (2002). *NetDraw: Graph visualization software*. Harvard, MA: Analytic Technologies.
- Borgatti, S. P., Everett, M. G. & Freeman, L. C. (2002). *UCINET for Windows: Software for social network analysis*. Harvard, MA: Analytic Technologies.
- Bucher, S. (2018). Bibliometric analysis of Central European journals in the Web of Science and JCR Social Science Edition. *Malaysian Journal of Library & Information Science*, 23(2), pp. 95–110.
- Elango, B. (2017). Scientometric analysis of Nature Nanotechnology. *Library Hi Tech News*, 34(1), pp. 23–30.
- Erfanmanesh, M. A., & Basirian Jahromi, R. (2013). Co-authorship network of articles published in the quarterly journal *National Studies on Librarianship and Information Organization* using network analysis. *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 24(2), pp. 76–96. [In Persian]
- Ghane, M. R., & Rahimi, F. (2011). Citation analysis and authorship collaboration patterns in six Iranian English-language journals in the fields of technology and engineering. *Information Processing and Management*, 26(4), pp. 1303–1319. [In Persian]

- Meadow, C. T. & Zaborowski, M. A. (1979). Some statistical aspects of JASIS publications. *Journal of the American Society for Information Science*, 30(6), pp. 368–371.
- Morovati Ardakani, M., & Hesampour, S. (2015). Citation analysis of articles published in the quarterly journal *Literary Criticism*. *Literary Criticism*, 8(32), pp. 155–169. [In Persian]
- Nobakht, Y. (2019). A scientometric study of the scholarly output of *Tax Research Journal*. *Knowledge Studies*, 5(18), pp. 33–54. [In Persian]
- Shamsi, A., Heidari, H., & Chanbari, Z. (2020). Scientific collaboration among authors of the journal *Payesh* (2011–2018). *Caspian Journal of Scientometrics*, 7(1), pp. 42–51. [In Persian]
- Swain, D. K. (2014). Journal bibliometric analysis: A case study on Quality Assurance in Education. *Indian Streams Research Journal*, 4(4).
- Tiew, W. S., Abdullah, A. & Kaur, K. (2002). Malaysian Journal of Library and Information Science 1996–2000: A bibliometric study. *Malaysian Journal of Library & Information Science*, 6(2), pp. 43–56.
- Young, A. P. (2006). Library Quarterly 1956–2004: An exploratory bibliometric analysis. *Library Quarterly*, 76(1), pp. 10–18.
- Zare Farashbandi, F., Karbalaeei, S. M., Baji, F., & Zahedian Varnosfaderani, M. (2006). Co-authorship and the main topics of articles. *Health Information Management*, 3(2), pp. 11–24. [In Persian]